

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۹ جون ۲۰۲۲

تاراج معادن و دارائی های افغانستان!

سه شنبه - ۰۷ سرطان ۱۴۰۱ - کابل: مدتی قبل ضمن یکی از مطالب نگاشتم که آنچه در افغانستان اتفاق می افتد، حراج نیست بلکه تاراج است. همچنین در بیشتر از ده ها یادداشت دیگر بار ها افزوده ام که طالب آگاهانه سقف توقعات مردم را با اتخاذ سیاست های زن ستیزانه و ضد انسانی خود، پائین می آورد تا مردم به فکر تاراجی که در کشور ما وجود دارد اصلاً نیفتند، این را هم بار ها تذکر دادم که توجه طالب و نظام ملاسالار به حفظ عفت زنان و پائین ناف آنها، نه به منظور حفظ پاکیزگی جامعه، بلکه فریبی است که سطح فکر افراد این جامعه را نمی خواهد به چیزی بالاتر از پائین ناف زنان مشغول شود. در یادداشت امروز با استناد به گفته های "شهباز شریف" صدراعظم پاکستان که با بی حیائی کامل دستور تاراج بیشتر معادن و دارائی های کشور ما را صادر نمود و همراهی نوکرمنشانه طالب در همسوئی با این تاراج و فراهم ساختن زمینه های آن، مکث کوتاهی خواهیم داشت. اما نخست:

۱- احتمالاً شما هم با اصطلاح های "دارای فقیر"، "میلیاردر گدا" و امثال آنها آشنائی داشته باشید، هرگاه خواسته باشیم مصداق واقعی این اصطلاح را در بین ولایات افغانستان جست و جو نمائیم، شاید بتوان بارزترین نمونه آن را در ولایت "سمنگان" مشخص نمود.

ولایت سمنگان یکی از نخستین مراکز تجمع انسانها بر مبنای مدنیت "هزارسم" که بین ۲۰ الی ۳۰ هزار سال قبل سابقه دارد به شمار می رود. سابقه حیات در ولایت سمنگان با نابودی مدنیت "هزار سم" قطع نشده بر مبنای اشعار "فردوسی" در "شاهنامه" که گفته می شود قسمت های نخست آن بین ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ بیت را "دقیقی بلخی" سروده است، در دوران اساطیری این خطه نیز یکی از مراکز مهم حیات باشنده در آن خطه بوده است. این که سمنگان در پرتو تاریخ از زمان حملات اسکندر مقدونی بر آریانای قدیم و بعد تر ایجاد سلسله "یونان و باختری" جایگاهش را تا امروز در تاریخ خونبار کشور ما داشته، بدان معنا نیست که این ولایت به تناسب قدمت تاریخی اش، از پیشرفت، ترقی و رفاه همگانی نیز برخوردار بوده است.

عکس چنین تصویری، این ولایت علی رغم آن که نظر به مساحتش در مقایسه با تعدادی از ولایات دیگر و موجودیت معادن به خصوص زغال سنگ، مرمر و مس و همچنان جنگلات پسته که از لحاظ عاید سالانه بعد از ولایت بادغیس در سراسر کشور مقام دوم را دارد و همچنین اراضی زراعتی آبی و للمی گسترده برخوردار از میزان بارندگی سالانه بین ۲۰۰ الی ۳۰۰ ملی متر در سال و زمینه های مساعد برای باغداری و پرورش انواع و اقسام مختلف درختان میوه،

و همچنان تربیت مواشی به خصوص اسب و گوسفند، یکی از ولایت های نسبتاً فقیر، دست نخورده و درجه سوم کشور به شمار می رود.

آنچه در این یادداشت مورد نظر است بیان تاراجی است که از دهه ها بدین سو، بی باکانه در معدن زغال سنگ آنجا در دره صوف بالا اعمال می شود. هرچند سابقه استخراج معدن زغال سنگ دره صوف، به ادوار و قرون قبلی بر می گردد، مگر تا جایی که از اسناد دولتی برجای مانده از زمان شاهمی بر می آید، استخراج شبه علمی از این معادن در نیمه دوم سلطنت ظاهر شاه آغاز یافته از آن زمان تا کنون به موازات نارامی ها و دست به دست شدن افغانستان و منطقه، آن استخراج با بی پروائی و بی باکی تمام ادامه یافته، حاکمیت ها همیشه از طریق خریدن تعدادی از دلایان و کارگران محلی تا توانسته اند، آن را جهت تأمین منافع شخص شان به غارت برده اند، بدون آن که از آن استخراج کمترین سودی به مردم افغانستان که جای خود را دارد حتا به باشندگان سمنگان رسیده باشد و یا حد اقل ولسوالی دره صوف بالا با سرک پخته به بزرگراه شمال - جنوب وصل شده باشد.

تا جایی که دوستان صاحب صلاحیت در زمینه ابراز نظر می نمایند، معدن زغال سنگ که می تواند بزرگترین یار و یاور معدن "آهن حاجی گک" باشد و از ترکیب دو نقطه یک "الزاس و لورن" جدید در آسیا گردد، از دو جهت بسیار با ارزش می باشد. نخست افتادگی معدن در کل نه به شکل عمودی، بلکه به شکل افقی و آنهم تقریباً در سطح زمین است که هم استخراج آن را آسان می سازد و هم قیمت تمام شد آن را پائین می آورد، مزیت دوم کیفیت و درجه خلوص و میزان فوق العاده حرارت آن است که می توان بسادگی با آن، آهن را ذوب کرد.

این معدن که برای باشندگان بومی آن به جز فقر و بدبختی و تحمل جنگهای خانمانسوز بر سر تصاحب منطقه، منفعت دیگری نداشته، در این اواخر که اشغالگران بین المللی و چاکران منطقه ئی آن ها در وجود پاکستان و شرکاء میخ قدرت طالب و نظام ملاسالار شان را بر زمین افغانستان عمیقتر فرورده اند، برای دولت پاکستان ارزش خاور میانه برای امپریالیسم را یافته، با تمام قواء و تمام امکانات می کوشد تا به تاراج آن ادامه دهد.

نظام ملاسالار که از یک سو دست نشانده، چاکر، نوکر و مطیع اراده دولت پاکستان است و از جانب دیگر می خواهد هرچه زودتر شکم سیری ناپذیر "ملا" را سیر نماید، با مساعد ساختن زمینه غارت و تاراج و تشدید فشار بر کارگران شاغل استخراج، چنان به استخراج سرعت بخشیده که به گفته تعدادی از باشندگان محل روزانه بیش از ۵۰۰ لاری تنها پاکستانی از آنجا با خود زغال می برند.

طالب و نظام ملاسالار که اصولاً احترام به مالکیت عامه از لحاظ اعتقادی برای شان مطرح نیست و هیچ نمی دانند که نرخ یک تن زغال سنگ، آنهم با کیفیت زغال سنگ دره صوف در سطح جهان و منطقه چند است، تنها چیزی که برای شان مطرح است، مساعدت به این تاراج است. چه همسویی با چنین تاراجی از یک سو برای آنها مقداری پول فراهم می کند و از جانب دیگر رضایت ارباب شان دولت پاکستان نیز فراهم می سازد.

هموطنان گرامی!

معادن به همان اندازه که به ما و نسل ما تعلق دارد، به ده ها بار بیشتر به نسل های آینده کشور نیز متعلق می باشند. بیائید منافع دراز مدت مردم و فرزندان مان را درک نموده، مقابل این سیاست غارتگرانه که به اعتراف شخص "شهپاز شریف" صدر اعظم پاکستان برای آن کشور سالانه بیشتر از ۲۲۰۰ میلیون دالر منفعت می آورد، یعنی از جیب ما و فرزندان ما طالب دزد و خیانتکار دزدیده به جیب بادارانش می اندازد، ایستاده، علیه تاراج گستاخانه به پا خیزیم و به طالب و نظام ملاسالار اجازه ندهیم، سقف توقعات ما را، به چادری و یا دستمال سر زنان پائین بیاورد

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!